

# بررسی بینامتنیت طوفان در متون اسطوره‌ای و دینی و استفاده از آن برای کودکان در داستان

فاطمه فرزین؛ دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد واحد رودهن  
meftah\_rayaneh@yahoo.com

## چکیده

خوانش بینامتنی، مخاطب را از ارتباط یک متن با متون دیگر آگاه می‌کند. مقاله حاضر، تلاشی است برای یافتن ردپای متون دیگر یا به عبارتی بینامتنیت روایت طوفان در متون اسطوره‌ای و دینی. طوفان جم، طوفان دئوکالیون، طوفان مانو، طوفان زیوسودرا و طوفان اوتنایشیم جزء روایات اسطوره‌ای است و طوفان نوح (ع) در تورات و قرآن جزء روایات دینی محسوب می‌شوند. داستان‌های طوفان به دلیل داشتن عناصر شگفت‌انگیز، برای کودکان جذاب هستند؛ اما مناسب‌ترین آن‌ها برای کودکان، داستان طوفان نوح است که در کتب مقدس به آن اشاره شده است. انگیزه اساسی طوفان، نابودی بشریت است؛ وسیله انجام این کار در درجه دوم اهمیت قرار دارد. به جز طوفان جم، بقیه طوفان‌ها به وسیله فوران آب به وجود آمدند. طوفان جم، حادثه‌ای است که بر اثر ذوب برف‌ها شکل گرفته است؛ برف‌هایی که دیو ملکوسان به وجود آورد. زمستان ملکوسان بی‌شبهت با زمستان فیمبول در اسطوره اسکاندیناوی نیست. این دو زمستان که صورت اولیه خود را حفظ کرده‌اند اسطوره‌هایی هستند که احتمالاً به زمان هند و اروپاییان باز می‌گردد. در این مقاله ابتدا داستان‌های طوفان معرفی می‌شوند سپس در یک بررسی تطبیقی، وجه شبهات‌ها و تفاوت‌های داستان طوفان در متون اسطوره‌ای و دینی مورد بررسی قرار می‌گیرد. روش تحقیق از نوع توصیفی - تحلیلی است که با استفاده از شیوه کتابخانه‌ای و فیش برداری، اطلاعات مربوط گردآوری شد.

واژگان کلیدی: بینامتنیت، طوفان، متون اسطوره‌ای، روایات دینی

## مقدمه

نظریه تعامل متن‌ها یکی از مهمترین مباحثی است که همواره مورد توجه پژوهشگران ساختارگرا و پساساختارگرا قرار گرفته است. نظریه پردازان امروزی معتقدند که هر متن فاقد معنای مستقل است زیرا متون از یکدیگر تأثیر می‌پذیرند و در همین ارتباط شکل می‌گیرند. این متفکران چگونگی ارتباط یک متن با متون دیگر را بینامتنیت نامیده‌اند. مقاله پیش رو می‌کوشد تا بینامتنیت روایت طوفان در متون اسطوره‌ای و دینی را مورد بررسی قرار دهد. روایت طوفان علاوه بر ایران به یونان و هند و بین‌النهرین نیز تعلق دارد. طوفان زیوسودرا، اوتنایشیم و نوح (ع) داستان‌های بین‌النهرینی طوفان هستند. طوفان اوتنایشیم بر اساس طوفان زیوسودرا که کهن‌تر از آن است قرار دارد و طوفان نوح (ع) که شرح آن در تورات آمده است بر اساس طوفان اوتنایشیم می‌باشد. قرآن نیز در چند سوره به طوفان نوح (ع) اشاره کرده است.

## ۱- طوفان در متون اسطوره‌ای

### ۱-۱ طوفان جم (زمستان ملکوسان)

طوفان آینده که جهان را ویران و مخلوقاتش را نابود خواهد کرد در اوستا موسوم است به مهرکوشه<sup>۱</sup> و در پهلوی

ملکوس<sup>۱</sup> گویند. در مینوی خرد، ملکوسان آمده است. (پور داود، ۱۳۷۷: ۱۸۵)  
 در فرگرد ۲ و ندیداد، فقره ۲۲ تا ۲۴ در مورد زمستان ملکوسان چنین آمده است:  
 «زمستانی سخت مرگ آورد بتازد و برف از بلندترین کوه‌ها تا ژرفای رودخانه آردوی<sup>۲</sup> ببارد و فقط یک سوم چارپایان بگریزند. بعد با آب شدن برف‌ها، موج‌های بزرگ روان گردد و جهان مادی را ویران کند.» (رضی، ۱۳۷۶: ج ۱، ۲۵۳)

در وندیداد، تنها به زمستان اشاره شده و از دیو ملکوسان که پدید آورنده این زمستان است سخنی به میان نیامده است. در فصل ۲۶ مینوی خرد، بند ۲۸ آمده است:

«و چون باران ملکوسان آید، بیشتر آفریدگان اورمزد نابود شوند.» (تفضلی، ۱۳۸۵: ۴۵)  
 همچنین در فصل یک دینکرد هفتم، بند ۲ و ۳ آمده است:

«زمستان ملکوسان در سده پنجم هزاره اوشیدر است. حضور ملکوس جادوگر هفت سال طول می‌کشد. با این همه، زمستان ملکوسان که بیشتر مردمان و چارپایان را نابود می‌کند، فقط سه سال تمام طول می‌کشد و در چهارمین سال ادامه می‌یابد؛ اما در طی این سال نیروی ملکوس به دلیل تأثیر «دهمان آفرین»<sup>۳</sup> رو به ضعف می‌گذارد. (راشد محصل، ۱۳۸۹: ۲۷۳)

به گفته بندهش، ملکوس از تخمه تور برادرش<sup>۴</sup> است کسی که زرتشت را کشت. (دادگی، ۱۳۶۹: ۱۴۲)  
 تاریخ طوفان برفی که در زمان جمشید در هزاره هفتم آمده یکی از تاریخ‌های قدیمی است که در ایران با آن تاریخگذاری می‌کرده‌اند. روز جمعه چهاردهم اردیبهشت یزدگردی باستانی، مطابق روز دهم زمستان، ۳۷۳۵ سال و ۱۰ ماه و ۲۲ روز پیش از سه شنبه اول فروردین تاریخ بخت نصری در ایران برف بسیار آمده است و تلفات بی‌اندازه از هر حیث وارد شده. چون این طوفان در زمان جمشید بوده آن را طوفان جم گفته‌اند. (بهرز، ۱۳۷۹: ۱۱۳)  
 در عقاید اسکاندیناویان، اسطوره مشابهی با زمستان ملکوسان وجود دارد. بر اساس ادبیات ادایی و اسکالیدی، راگناروک در پایان جهان فرا خواهد رسید. زمستانی تلخ به نام زمستان فیمبول<sup>۵</sup> روی خواهد داد و تا سه سال در انتظار رسیدن تابستان ادامه خواهد داشت. آسمان تاریک خواهد شد و خورشید نخواهد درخشید. (اسماعیل پور، ۱۳۹۲: ۱۴۳)

راگناروک پایان رژیم خدایان کهن است؛ اما به واقع پایان همه چیز نیست. نهایتاً دنیایی جدید و پاک شده از خیانت دنیایی کهن آغاز می‌شود. (مخبر، ۱۳۸۴: ج ۱، ۳۱۲)

این احتمال هست که زمستان ملکوسان و زمستان فیمبول که صورت اولیه خود را حفظ کرده‌اند، اسطوره‌هایی باشند که تاریخ آنها به هزاران سال پیش یعنی به زمان هندواروپاییان باز می‌گردد. (هینلز، ۱۳۹۱: ۵۶)  
 هر دو زمستان به مدت سه سال طول کشید و چنانکه در ادامه این مقاله خواهیم دید بعد از پایان زمستان ملکوسان و باز شدن در و رجمکرد، مردم به دنیایی پر مهر که در آن کینه‌ای نیست پا می‌گذارند؛ بعد از پایان زمستان فیمبول نیز مردم با دنیایی جدید و پاک شده از خیانت دنیای کهن روبرو می‌شوند.

در وندیداد، فرگرد ۲، فقره ۲۵ و ۲۹ اهورامزدا راه مقابله با زمستان ملکوسان را به جمشید آموخت و چنین فرمود: «خاک زمین را با دو پاشنه ورز بده و با دو دست خمیر کن. پس وری (قلعه‌ای) بساز به درازای میدان اسب سواری، سپس تخمه چارپایان، ستوران، مردمان، سگان، پرندگان و آتش‌های سرخ سوزان را در آن ببر. و مبر به آنجا کورسینه، نه کورپشت، نه عقیم، نه دیوانه، نه تهیدست، نه فریفتار، نه کسی که نقص عضو دارد، نه کوتاه قد، نه

<sup>۱</sup> - Malkūs

<sup>۲</sup> - aradvi

<sup>۳</sup> - دهمان آفرین: نگهبان خواسته‌ای است که با کوشش بیندوزند. نیایش‌ها را به هدف می‌رساند و همکار شهریور است، با اهریمن نبرد می‌کند.

همراه برز ایزد است و قرار آسمان به اوست، نماینده آفرین و دعاهای نیک مردم پارساست. (آموزگار، ۱۳۹۳: ۴۰)

<sup>۴</sup> - Tūribrādōš

<sup>۵</sup> - Fimbul

کج دندان و نه کسی که بیماری پسی و یا هر نوع بیماری که نشانه اهریمنی است، دارد. (رضی، ۱۳۷۶: ج ۱، ۲۵۴ و ۲۵۵)

ویژگی‌ها و رجمکرد عبارتند از:

- ۱- به درازای میدان اسب سواری است.
  - ۲- دارای مرغزارها، خانه‌ها، انبارها، اصطبل و دیواری محافظ است.
  - ۳- دارای رودخانه و نه پل است؛ شش پل در بخش میانی و سه پل در بخش پسین.
  - ۴- خوردنی‌های تمام نشدنی دارد.
  - ۵- روشنایی و رجمکرد از نورهای خودآفریده<sup>۱</sup> و هستی یافته است.
  - ۶- فقط یک بار در سال طلوع و غروب ستارگان و ماه و خورشید در و رجمکرد دیده می‌شود.
  - ۷- در و رجمکرد، یک سال به نظر یک روز می‌آید. (همان، ۲۵۶ و ۲۵۷)
  - ۸- مدت عمر ساکنان و ر، سیصد سال است.
  - ۹- آنها درد و آفت کم دارند. (تفضلی، ۱۳۸۵: ۶۹)
- ورجمکرد در ایرانویج زیر زمین ساخته شده است. (همان، ۶۹) از فقره ۴۱ آبان یشت به خوبی برمی‌آید که افراسیاب، پادشاه تورانی، نیز خانه‌ای در زیر زمین داشته است:
- «افراسیاب تورانی نابکار برای اردویسور ناهید در هنگ زیرزمینی صد اسب، هزار گاو و ده هزار گوسفند قربانی کرد.» (پور داود، ۱۳۷۷: ۲۱۱)
- به روایت بندهش این خانه به جادویی ساخته شده است. خانه در شب چون روز روشن بود. چهار رود در آن جاری بود: یکی آب، یکی می، یکی شیر و یکی ماست زده. و بر سقف آن برای روشنایی، خورشید و ماه ساخت. ارتفاع خانه به اندازه هزار مرد میان بالا بود. (دادگی، ۱۳۶۹: ۱۳۸)
- ورجمشید، سرزمین سعادت و بهشتی است که از دیده عالمیان پنهان است و نشانه یادگارها و خاطراتی است که ایرانیان از قدیمی‌ترین زادگاه خود داشتند. در میان دیگر اقوام هندو اروپایی نیز نظایر چنین جایگاه سعادت وجود دارد؛ خاصه در ادبیات یونانی (باغ الیزه) و ادبیات سانسکریت (باغ خدایان). (صفا، ۱۳۸۷: ۴۳۴)
- زرتشتیان عقیده دارند که پیش از رسیدن دومین منجی، اوشیدرماه، خیر دوباره پیروز خواهد شد؛ زیرا مردمان از قلعه‌ای که جمشید ساخته است بیرون خواهند آمد و زمین از آنان پر خواهد شد. (هینلز، ۱۳۹۱: ۱۰۴)
- در هیچ جای اوستا نیامده است که پس از طوفان، جم نیز با ساکنین از ور درآمده، زمین را دگرباره آباد خواهد نمود. (پور داود، ۱۳۷۷: ۱۸۵)
- نقش پرنده در طوفان جم مورد توجه است. به روایت وندیداد، فقره ۴۲، زرتشت از اهورامزدا پرسید:
- «ای مقدس، چه کسی دین مزدیسنی را در قلعه‌ای که جم ساخته است منتشر کرد؟ اهورامزدا گفت: مرغ کرشیپتر<sup>۲</sup>. (رضی، ۱۳۷۶: ج ۱، ۲۵۷)
- در بخش‌های ۱۷ و ۲۱ بندهش هندی در مورد سروری مرغ کرشیپ تر بر مرغان اتفاق نظر وجود دارد. (بهزادی، ۱۳۶۸: ۱۰۰ و ۱۰۷)
- این مرغ می‌تواند سخن بگوید. او دین مزدیسنی را به و رجمکرد برد و رواج بخشید. در آنجا مردمان اوستا را به زبان مرغ می‌خوانند. (دادگی، ۱۳۶۹: ۱۵۲)

<sup>۱</sup> - مقصود از نورهای خودآفریده، روشنی‌های طبیعی و مصادر آنها چون ماه و خورشید و ستارگان هستند که به موجب اصول عقاید موبدان در اوستای متأخر، قائم به خود و خودآفریده و سرمدی و ازلی هستند و روشنی‌های هستی یافته، نورهایی مصنوعی هستند که به وسیله آدمی به وجود می‌آیند. (رضی، ۱۳۷۶: ج ۱، ۳۳۷) در سفر پیدایش تورات نیز مطلبی مشابه آمده است. خداوند به نوح (ع) می‌فرماید: روشنی برای کشتی بساز. (پیدایش، باب ششم، فقره ۱۶)

## ۲-۱ طوفان دئوکالیون<sup>۱</sup>

داستان طوفان یونانی را همچون داستان طوفان اقوام سامی و جوامعی دیگر می‌توان به ظنّ قریب به یقین حادثه‌ی واقعی تلقی نمود که بر اثر انقلابات ارضی پدید آمده بوده است. موافق اساطیر و میتولوژی یونانی، گناهکاری و عصیان نوع بشر موجب خشم زئوس<sup>۲</sup>، پروردگار تندر و ابرهای سیاه، شد. (رضی، ۱۳۴۲: ۷۱۳)

زئوس تصمیم گرفت تا در لباسی مبدل و به هیأت آدمیزاده‌ی ای رهنورد، بر زمین پرسه زند و کردار و رفتار آدمیان را ببازماید. به هر کجا رفت دید که آدمیان همه‌گونه گناهی انجام می‌دهند و هیچ پاس ارزش‌هایی را که شایسته آدمی است نمی‌دارند؛ با یکدیگر سنگدل و نامهربان‌اند و میهمان ناخوانده را به پیشباز نمی‌روند و خدایان بی‌مرگ را گرامی و بزرگ نمی‌دارند. (روزنبرگ، ۱۳۷۴: ۵۹)

پس زئوس به کوه المپ بازگشت و بر آن شد تا همه آدمیان را کیفر دهد. گرچه خدایان بی‌مرگ از تصمیم زئوس پشتیبانی می‌کردند اما نگران آینده بودند که اگر آدمیان نباشند پس کدام کس قربانی‌های خوش طعم را به درگاه خدایان هدیه خواهد آورد. زئوس به ایشان اطمینان داد که چون نسل حاضر را نابود کند، نسلی دیگر از آدمیان خواهد آفرید که بسیار بهتر از نسل کنونی باشد. او ابتدا تصمیم داشت تا به وسیله رعد و برق، نسل بشر را نابود کند اما بعد دریافت که کوه المپ نیز از شعله‌های آذرخش آتش خواهد گرفت پس بر آن شد با ایجاد سیلی در تمامی زمین، نسل بشر را از میان ببرد. (همان، ۶۵)

هنگامی که پرومئوس<sup>۳</sup>، تیتان خلاق، دریافت که زئوس بر آن است تا آدمیانی را که او ساخته بود را نابود کند در عالم خواب به پسرش دئوکالیون که از نسل آدمیان بود الهام کرد که کشتی بسیار عظیمی بسازد و سقف آن را بپوشاند و از خوراک و پوشاک و لوازم زندگی هرچه لازم است بار کند و آماده رویدادهای آینده گردد. دئوکالیون و همسرش پورحا، به میان کشتی سرپوشیده رفتند و بر روی آب شناور گردیدند. آنان نه روز و نه شب بر روی آب‌های خروشان شناور بودند. سرانجام کشتی ایشان بر دامنه کوه پاراناسوس<sup>۴</sup> به زمین نشست اما زمین تهی از موجودات زنده، به گونه بی‌مرگبار، خاموش و غم‌انگیز بود. (همان، ۷۰-۶۹)

آن دو در پرستشگاه دلفی نیایش کردند و فرمان یافتند که هر یک در طول راه از بالای شانه‌های خود سنگ پرتاب کنند. سنگ‌هایی که دئوکالیون پرتاب کرد به مردها و سنگ‌هایی که همسرش پرتاب کرد به زنان تبدیل شدند. بدین گونه نژاد آدمی از نو پدید آمد. (اسماعیل پور، ۱۳۹۲: ۹۱).

## ۳-۱ طوفان مانو<sup>۵</sup>

مانوی هفتم نخستین انسان عارف و فرزانه‌ی است که بعد از انحلال بزرگ، زنده می‌ماند تا دیگر بار جهان را هستی بخشد. او پس از هزار سال ریاضت، در شکوه‌مندی به مقامی همانند برهما دست یافت. روزی مانو بر ساحل رودی در تأمل بود؛ ماهی‌ای سر از آب درآورد و از او خواست پناهش دهد و در برابر ماهی‌ای که او را دنبال می‌کرد، حمایت کند. مانو ماهی را در کوزه‌ای نهاد تا اینکه بزرگ شد و کوزه را کوچک یافت و از مانو خواست او را به رود گنگ بیاورد. اما سرانجام رود گنگ را نیز کوچک یافت؛ مانو ماهی را به اقیانوس افکند و ماهی که مظهر ویشنو، یکی از خدایان هندو بود، در اقیانوس، آرام یافت و مانو را از نزدیک شدن طوفان آگاه ساخت. از او

<sup>۱</sup> - Deukalion

<sup>۲</sup> - Zeus

<sup>۳</sup> - Promteus

<sup>۴</sup> - Parnasos

<sup>۵</sup> - Manu

خواست که کشتی بزرگی بسازد و خود و هفت ریشی<sup>۱</sup> و دانه‌ها را به کشتی برد. مانو چنان کرد. طوفانی ویرانگر آغاز شد و همه چیز را ویران کرد. کشتی بر قله امواج قرار گرفت و با طنابی که به شاخ ماهی بسته شده بود به قله هیمالیا حمل شد. پس از سال‌ها طوفان فرونشست و کشتی به دره‌ها فرود آمد. مانو به آفرینش جهان پرداخت و جهان را با فدیة‌هایی از روغن، ماست و آب پنیر شادمان کرد. پس از یک سال فدیة‌های او به زنی زیبا بدل شد و زن به پیشگاه مانو شتافت و خود را دختر او نامید. سپس او را هدایت کرد تا قربانی دهد و مانو چنان کرد و صاحب فرزندان و گاوان بسیار شد و به همه آرزوهایش رسید. (ایونس، ۱۳۷۳: ۵۱-۵۰)

بنا بر عقیده هندوان ویشنو دارای مظاهر مختلفی است یکی از این مظاهر متسیه<sup>۲</sup> (ماهی) است. هنگامی که اهریمنی به نام هیه‌گریوه<sup>۳</sup> وداها را دزدید و در زیر آب پنهان کرد، مانو از ویشنو یاری خواست و ویشنو که به صورت ماهی ظهور کرده بود در آب فرو رفت و آن عفریت را کشت و چون برهما، آفریننده وداها، از خواب بیدار شد، ویشنو وداها را به برهما برگردانید. (جلالی نایینی، ۱۳۸۵: ۱۲۵).

#### ۴-۱ طوفان زیوسودرا<sup>۴</sup>

کهن‌ترین متن مکتوب درباره طوفان، از الواح سومری دریافت می‌شود. در سال ۱۹۱۴ آرنوپوبل<sup>۶</sup>، پژوهشگر آمریکایی، قسمتی از یک لوح سومری را منتشر ساخت. این قسمت اپیسودهایی را در برداشت که به روشنی نمایانگر اسطوره طوفان است. پیش از این کسی نمی‌دانست روایت بابلی این اسطوره بر اساس روایت سومری که کهن‌تر از آن است، قرار دارد.

آن سان که از این تکه لوح برمی‌آید، چنین به نظر می‌رسد که یکی از خدایان اعلام می‌دارد می‌خواهد بشریت را از فناپی که خدایان بر آن شده‌اند تا بر او نازل کنند، نجات بخشد. علت این تصمیم بیان نمی‌شود. خدایی که برای نجات بشریت از نابودی اقدام می‌کند، انکی است. انکی ظاهراً به زیوسودرا، پادشاه پرهیزکار سیپ پار<sup>۷</sup>، تعلیم می‌دهد کنار دیواری بایستد تا از طریق دیوار تصمیم شوم خدایان را بر او آشکار کند و به او بگوید برای گریز از طوفان قریب الوقوع چه باید بکند. بخشی از متن که می‌بایست به شرح ساختن کشتی پرداخته باشد در دست نیست. (هنری هوک، ۱۳۷۲: ۳۹ و ۳۸)

به مدت هفت روز و هفت شب، سیلاب زمین را درنوردید. پس از طوفان، زیوسودرا، وزرا و گوسفندی را قربانی می‌کند. آنو و انلیل او را عزیز می‌دارند و حیاتی همچون حیات خدایی به او می‌دهند. آنگاه زیوسودرا، نگاه دارنده رستنی‌ها و تخمه انسان را در سرزمین «گذر»، سرزمین دیلمون، آنجا که خورشید برمی‌آید، سکونت دادند. (همان، ۴۰ و ۳۹)

ظاهراً دیلمون در دهانه خلیج فارس قرار داشته است. وصف این بهشت زمینی در شعری که دکتر کریم‌ر آن را حماسه (ام‌مرکار<sup>۸</sup>) می‌خواند، آمده است:

سرزمین دیلمون، جایی پاک است  
در دیلمون غراب فریادی سر نمی‌داد

<sup>۱</sup> - ریشی: مُلهم، حکیم، شاعر یا حکیم الهام یافته (جلالی نایینی، ۱۳۸۵: ۷۰۰)

<sup>۲</sup> - Matsya

<sup>۳</sup> - Haya - griva

<sup>۴</sup> - برهما در سلسله مراتب خدایان هندو از احترامی برابر ویشنو و شیوا برخوردار است. چهار ودا برخاسته از سرهای اوست و بهشت او برترین

بهشت خدایان است. (ایونس، ۱۳۷۳: ۶۷)

<sup>۵</sup> - Ziusudra

<sup>۶</sup> - Arnopobel

<sup>۷</sup> - Sippar

<sup>۸</sup> - Emmer Kar

شیر نمی کشت، گرگ بره را نمی ربود  
 ناشناخته بود سگ بزغاله گش  
 ناشناخته بود گراز غله خوار. (همان، ۱۵۶ و ۱۵۷)  
 این شعر شبیه به روایت طوفان جم است. در دینکرد هفتم چنین آمده است:  
 «هنگامی که آن زمستان کشنده بگذرد، آنگاه «کوهی و دشتی» به سوی مزدیسنان بروند و این گونه اندیشند که:  
 «مزدیسنان به گوسفندان، مهر ورزند نه کینه.» (راشد محصل، ۱۳۸۹: ۲۷۴).

## ۱-۵ طوفان اوتناپیشتم

روایت طوفان که در اسطوره سومری تا اندازه ای دچار پراکندگی است، در شکل بابلی آن تا حد بسیاری بسط یافته است و در حماسه گیلگمش جای گرفته است. روایت بابلی حماسه گیلگمش شامل دوازده لوح بود و بیشتر بخش های آن از کتابخانه آشور بانی پال در نینوا به دست آمد. بلندترین و سالمترین بخش آن لوح یازدهم است که مشتمل بر شرح طوفان است و اوتناپیشتم آن را روایت می کند. (هنری هوک، ۱۳۷۲: ۶۰ و ۶۵)  
 انا، خدای دریاهای ژرف، اوتناپیشتم را از طوفان سهمگینی که ایزدان آسمانی قصد ایجاد آن را داشتند، از طریق دیوار کومه او آگاه کرد و چنین پند داد:

«بدان که ابعاد کشتی را به گونه ای بسازی که درازا و پهناش برابر باشد. هشیار باش که بدنه آن را درست مهر و موم کنی. همسر، خانواده، بستگان و پیشه وران شهر خویش را بر آن کشتی سوار کن. غلات و همه دارایی ها و کالاهای خود را بردار. تخم همه موجودات زنده، اعم از جانوران دشتی و پرندگان آسمان را بر آن کشتی بنشان.» (رزنبرگ، ۱۳۸۹: ۸۲ و ۸۳)

اوتناپیشتم چنین کرد تا اینکه با آمدن نخستین سپیده صبح، ابرهای سیاه برآمد و روشنایی ها همه به تاریکی بدل شد. آب ها تا کوهپایه برآمد و آب ها از آدمیان برگذشت. خدایان خود از طوفان هراسیدند و به کوهساران گریختند. شش روز و شش شب باران و جویبارها خروشیدند. به روز هفتم، طوفان را کاستی پدید آمد و کشتی بر کوه نیسیر، استوار بنشست. (شاملو، ۱۳۹۰: ۳۰۲-۲۹۹)

در طوفان اوتناپیشتم، پرده نقش بارزی دارد. اوتناپیشتم برای یافتن خشکی، در روز هفتم کبوتری را رها کرد. کبوتر رفت و باز آمد چرا که جای آسایش نیافته بود. پس زاغی را رها کرد. زاغ، آب را دید که فرو می نشیند. پس زمین را بخراشید و فریادی برآورد و دانه خورد و باز نیامد. پس اوتناپیشتم همه پرندگان را در بادی که از چار جانب می وزید پرواز داد و بره بی قربانی کرد و سدر و مورد بسوزاند. بوی خوشی به مشام خدایان رسید و ایشان را آن بوی خوش پسندیده بود. چون خاتون خدایان در رسید گفت: به جز انلیل، همه خدایان، می باید که بر قربانی به زیر آیند؛ چرا که او بی آنکه اندیشه کند طوفان بزرگ را برانگیخت و آدمیزادگان مرا همه به قضای فنا در سپرد. انا، خدای ژرفاهای آب، به انلیل چنین گفت:

ای خدای زورمند! چگونه توانی طوفانی چنین پدید آری بی آنکه یک دم بر آن اندیشه کنی؟ آنکه گناهی می کند بگذار تا از گناه خویش کیفری بیند. بدان و بدکاران را کیفری بده اما زنهار تا همگان را به طوفان بلا در نیچی!  
 پس انلیل، خدای سرزمین ها، به کشتی آمد و دست اوتناپیشتم را گرفت و او و جفت او را به خشکی برد و به تبرک و تعمید دست بر سر آن دو نهاد و به اوتناپیشتم گفت: تا به امروز آدمیزاده ای میرا بودی. اکنون باید تو و همسرت همتای ما باشید. آنگاه آن دو را در دور دست ها بر کنار دریا منزل داد و به جرگه خدایان درآورد. (همان، ۳۰۳ - ۳۰۲).

## ۲- طوفان در متون دینی

### ۲-۱ طوفان نوح در تورات



روایت طوفان نوح در تورات بر اساس اسطوره بابلی آن قرار دارد. (هنری هوک، ۱۳۷۲: ۳۸) این داستان در قرآن نیز با تفاوت‌هایی آمده است. در تورات دلیل نزول طوفان اینچنین بیان شده است:

«و خداوند دید که شرارت انسان در زمین بسیار است. گفت انسان را که آفریده ام از روی زمین محو سازم؛ بهایم و حشرات و پرندگان را نیز. چون که متأسف شدم از ساختن ایشان. اما نوح مردی عادل بود و در نظر خداوند التفات یافت. (پیدایش، باب ششم، فقره ۵ و ۷ و ۹)

سپس خداوند نحوه ساختن کشتی و نجات از طوفان را به نوح می آموزد:

«برای خود کشتی ای از چوب کوفر بساز و حجرات در کشتی بنا کن و درون و بیرونش را به قیر بیندا. طول کشتی سیصد ذراع باشد و عرضش پنجاه ذراع و ارتفاع آن سی ذراع. روشنی ای برای کشتی بساز و در کشتی را در جنب آن بگذر.» (همان، فقره ۱۷-۱۴) «و از هر آذوقه ای که خورده شود بگیر و نزد خود ذخیره نما تا برای تو و آنها خوراک باشد.» (همان، فقره ۲۱ و ۲۲)

در باب هفتم، فقره ۹-۷ مسافران کشتی نوح معرفی می شوند:

«نوح و پسرانش و زنش و زنان پسرانش با وی از آب طوفان به کشتی در آمدند از بهایم پاک و از بهایم ناپاک و از پرندگان و از همه حشرات زمین، دو دو نر و ماده نزد نوح به کشتی درآمدند.»

سپس «خداوند در را از عقب او بست و طوفان چهل روز بر زمین می آمد و آب همی افزود و کشتی بر سطح آب می رفت. همه کوه های بلند در زیر آب مستور شد و هر ذی جسدی که بر زمین حرکت می کرد از پرندگان و بهایم و حیوانات و کل حشرات خزنده بر زمین و جمیع آدمیان مردند. (همان، فقره ۲۴-۱۶)

داستان زاغ و کبوتری که در طوفان اوتناپشتیم بیان شد به گونه ای دیگر در طوفان نوح روایت شده است:

«بعد از انقضای صد و پنجاه روز، آب کم شد و کشتی بر کوه های آرارات قرار گرفت. نوح دریچه کشتی را باز کرد و زاغ را رها کرد. او بیرون رفته، در تردد می بود تا آب از زمین خشک شد. پس کبوتر را رها کرد تا ببیند که آیا آب از روی زمین کم شده است. اما چون آب بر روی زمین بود، نشیمن برای خود نیافت و به کشتی برگشت. نوح هفت روز دیگر درنگ کرد. دوباره کبوتر را رها کرد؛ کبوتر برگشت و اینک برگ زیتون در منقار وی است پس نوح دانست که آب از روی زمین کم شده است. هفت روز دیگر نیز توقف نموده، کبوتر را رها کرد و او دیگر نزد وی برنگشت. نوح پوشش کشتی را برداشته، نگریست و اینک روی زمین خشک بود. سپس مذبحی برای خداوند بنا کرد و از هر بهیمه پاک و از هر پرنده پاک گرفته، قربانی های سوختنی بر مذبح گذرانید و خداوند بوی خوش بویید و در دل خود گفت بعد از این زمین را به سبب انسان لعنت نکنم و بار دیگر همه حیوانات را هلاک نکنم چنانکه کردم.» (همان، باب هشتم، فقره ۲۱-۴)

در تورات صحبت از عهدیست که خداوند پس از طوفان با تمام موجوداتش می بندد:

«شما بارور و کثیر شوید و در زمین منتشر شده در آن بیفزایید. اینک من عهد خود را با شما استوار می گردانم که بار دیگر هر ذی جسد از آب طوفان هلاک نشود و طوفان بعد از این نباشد تا زمین را خراب کند. نشان عهدی که می بندم، رنگین کمانی است که در ابر خواهد بود و آن را خواهم نگریست تا بیاد آورم آن عهد جاودانی را که در میان خدا و همه جانورانست.» (همان، باب نهم، فقره ۱۷-۸).

## ۲-۲ طوفان نوح در قرآن

همانا ما نوح را به رسالت به سوی قومش فرستادیم. او نهصد و پنجاه سال میان قوم خود درنگ کرد و خلق را به خداپرستی دعوت کرد و اجابت نکردند (عنکبوت، آیه ۱۴) نوح عرض کرد پروردگارا، تو مرا بر اینان که تکذیب من کردند یاری فرما (مؤمنون، آیه ۲۶) نوح به امر خدا به ساختن کشتی پرداخت و چون در بیابان بی آبی کشتی می ساخت، هرکس از قومش بر او می گذشت وی را مسخره می کرد. نوح در جواب آنها می گفت: شما امروز ما را مسخره می کنید ما هم روزی شما را پاسخی بدهیم که بعد از این معلوم شما شود که ما و شما کدام مستوجب

عذاب ذلت و عذاب دائم خدا خواهیم شد. تا وقتی که فرمان ما فرا رسید و از تنور آتش، آب بجوشید و عالم را به طوفان داد. در آن هنگام به نوح خطاب کردیم که تو با خود نر و ماده ای از هر چیز جفتی همراه بر و اهل بیت خود را هم جز آن که وعده هلاکش در علم ازلی گذشته و مؤمنان، همه را در کشتی همراه بر. و گرویدگان به نوح، عده قلیلی بیش نبودند. و نوح دستور داد که شما مؤمنان در کشتی درآید تا به نام خدا کشتی هم روان شود و هم به ساحل نجات رسد که خدای من البته صاحب رحمت و مغفرت است. و آن کشتی در دریا با امواجی مانند کوه در گردش بود که در آن حال نوح از راه شفقت، فرزندش را ندا کرد که ای پسر تو هم بدین کشتی درآی که نجات یابی و با کافران همراه مباش که هلاک خواهی شد. آن پسر نادان پدر را پاسخ داد که من به زودی به فراز کوه روم که از خطر هلاکم ننگه دارد. نوح گفت: ای پسر، امروز هیچکس را از قهر خدا جز به لطف او نجات نیست. «این بگفت» و موج میان آنها جدایی افکند و پسر با کافران چون از جنس آنها بود، به دریا غرق شدند. و به زمین خطاب شد که آب را فرو بر و به آسمان امر شد که باران را قطع کن. آب به یک لحظه خشک شد و حکم قهر الهی انجام یافت و کشتی بر کوه جودی قرار گرفت. (هود، آیه ۴۴-۳۸) و به نوح خطاب شد که از کشتی فرود آی که سلام و برکات و رحمت ما بر تو و بر آن امم و قبایلی که همیشه با تو انداخته و امت هایی که خودسر و ستمگر شوند ما پس از آنکه به آنها بهره ای از دنیا دهیم آنان را به عذاب سخت کیفر خواهیم کرد. (همان، آیه ۴۸).

### ۱-۲-۲ اشارات قرآنی طوفان نوح

الف) فوران تنور که خود محل آتش است علامت و نشانه آمدن عذاب بوده و این نشانه عجیبی بوده که از تنورهای آتش، آب چون فواره به طرف بالا فوران کند. (علامه طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۱۵، ۳۹)

ب) تورات، زن نوح را در زمره سوار شدگان به کشتی و از نجات یافتگان می داند. (پیدایش، باب ششم، فقره ۱۸) ولی قرآن از او به عنوان کافر و خیانتکار و داخل در آتش یاد می کند: «زن نوح نفاق و خیانت کرد و نوح با وجود مقام نبوت نتوانست او را از قهر خدا برهاند و او از دوزخیان شد.» (تحریم، آیه ۱۰)

در قرآن تصریحی به غرق زن نوح نیست و این مسأله را باید به یکی از دو شکل زیر در نظر گرفت:

۱- ممکن است وی تا هنگام طوفان، کافر و خائن نبوده و پس از آن خطاکار شده باشد.

۲- او نیز از جمله غرق شدگان بوده ولی به غرق شدن وی تصریح نشده و با اشاره به دخول او در آتش، مطلب بیان شده باشد. این مسأله با تعبیر کلی مربوط به غرق شدگان در آیه ۲۵ سوره نوح سازگاری دارد: «مما خطیئاتهم أغرقوا فأدخلوا ناراً» (آن قوم از کثرت کفر و گناه عاقبت به دریا غرق شدند و به آتش دوزخ در افتادند.) (همامی، ۱۳۸۵: ۵۶)

پ) در تورات سه پسر نوح (سام، حام و یافث) در زمره سوار شدگان به کشتی به شمار می آیند. (پیدایش، باب ششم، فقره ۱۸) در حالی که قرآن تنها از یک پسر نوح، که به کشتی هم سوار نشد، بدون تصریح به نام وی یاد می کند.

ت) تورات مجموع عمر نوح (ع) را نهصد و پنجاه سال اعلام می کند. در پیدایش، باب هفتم، فقره ۶ آمده است: «و نوح ششصد ساله بود چون طوفان آب بر زمین آمد» و در باب نهم، فقره ۲۸ و ۲۹ آمده است: «نوح بعد از طوفان سیصد و پنجاه سال زندگی کرد. پس جمله ایام نوح نهصد و پنجاه سال بود که مُرد.» قرآن نیز عمر نوح (ع) را نهصد و پنجاه سال اعلام می کند. (عنکبوت، آیه ۱۴)

### ۳- شباهت ها و تفاوت های حادثه طوفان در متون اسطوره ای و دینی

۳-۱ در تمامی روایات طوفان ایزد یا ایزدانی مسبب وقوع طوفان هستند؛ به جز طوفان جم که دیو ملکوسان در پی از بین بردن موجودات است و طوفان مانو، که به وجود آورنده طوفان مشخص نیست.



۳-۲ در تمامی روایات طوفان، خدایی حادثه طوفان را خبر می دهد. این خدا، یا خدای یگانه است و یا خدایی از خدایان. در طوفان نوح (تورات و قرآن) و طوفان جم، خدای یگانه از وقوع طوفان خبر می دهد. اما در روایت سومری، بابلی، یونانی و هندی خدایی از خدایان خبر دهنده طوفان است که نامشان به ترتیب شامل: انکی، اِنا، پرومتهوس و ماهی ای که مظهر ویشنو یکی از خدایان هندوست می باشد.

۳-۳ هدف اساسی از ایجاد طوفان، فنای بشریت است و اما در مورد دلیل ایجاد آن، در طوفان جم و طوفان مانو و طوفان زیوسودرا مطلبی بیان نشده است. در طوفان دئوکالیون و طوفان اوتناپیشتم و طوفان نوح (تورات و قرآن) علت پیدایش طوفان، عصیان و شرارت انسان ها گزارش شده است.

۳-۴ در تمامی روایات طوفان، بازیگر نقش اول و قهرمان داستان، یک انسان خاص است. در طوفان ایرانی جمشید شاه؛ در طوفان یونانی دئوکالیون، پسر خدا، که از نسل آدمیان بود؛ در طوفان هندی مانو، انسان عارف؛ در طوفان سومری زیوسودرا، پادشاه پرهیزکار سیپ پار؛ در طوفان بابلی اوتناپیشتم، انسانی که پس از طوفان در جرگه خدایان درآمد و انسانی نامیرا شد و در روایت تورات و قرآن نوح (ع)، پیامبر خدا.

۳-۵ وسیله نجات از طوفان، کشتی است به جز در طوفان جم. در این داستان، قلعه زیرزمینی جمشید حکم کشتی نجات را دارد با این تفاوت که ورجمکرد در دو زمان مختلف، ناجی ساکنینش می شود: یکی در زمان حمله دیو ملکوسان و طوفان برف و دیگری پس از ذوب شدن برف ها و وقوع سیلاب. طبق روایت ونیدداد، ورجمکرد دارای دیواری محافظ است. (رضی، ۱۳۷۶: ج ۱، ۲۵۶) این دیوار در هنگام بلعیده شدن سیلاب توسط زمین، غیر قابل نفوذ بوده و مانع ورود آب به داخل ورجمکرد می شد.

۳-۶ در طوفان جم و طوفان اوتناپیشتم و طوفان نوح (تورات)، علاوه بر انسان ها، حیوانات و پرندگان نیز جزء نجات یافتگانند. طوفان نوح (قرآن) نیز همین گونه است به جز اینکه در آن صحبتی از نجات پرندگان نیست. و اما در طوفان یونانی، دئوکالیون و همسرش پورحا و در طوفان هندی، مانو و هفت ریشی (حکیم الهام یافته) و در طوفان سومری، زیوسودرا و جمعی از انسان ها نجات یافتند.

۳-۷ مدت زمان طوفان در روایات مختلف، متفاوت است. در طوفان جم مطلبی در مورد اینکه پس از ذوب شدن برف ها و به وجود آمدن سیلاب تا چه زمانی این طوفان ادامه داشته، دیده نشده است اما طوفان برف ملکوسان به مدت سه سال تمام طول می کشد و در چهارمین سال به تدریج کم می شود. در طوفان دئوکالیون، باران نه روز و نه شب مدام بارید. طوفان مانو، پس از سال ها فرو نشست. طوفان زیوسودرا به مدت هفت روز و هفت شب بوده است. طوفان اوتناپیشتم، شش روز و شش شب بود؛ به روز هفتم طوفان را کاستی پدید آمد. طوفان نوح (تورات) چهل روز ادامه داشت و بعد از صد و پنجاه روز آب کم شد. در طوفان نوح (قرآن) چنین آمده است:

«آنگاه به زمین خطاب شد که آب را فرو بر و به آسمان امر شد که باران را قطع کن. آب به یک لحظه خشک شد و حکم قهر الهی انجام یافت.» (هود، آیه ۴۴) در این آیه مشاهده می شود که بین امر خداوند و بلعیده شدن آب توسط زمین، فاصله ای وجود نداشته است. همچنانکه در آیه ۸۲ سوره یس آمده است: فرمان نافذ خداوند در عالم چون اراده خلقت چیزی را کند به محض اینکه گوید باش بلافاصله موجود خواهد شد.

۳-۸ در پنج روایت، مکان نشستن کشتی بر کوه است. در روایت یونانی کوه پارناسوس، در روایت هندی کوه هیمالیا، در روایت بابلی کوه نیسیر، در روایت تورات کوه آرات و در روایت قرآن کوه جودی.

و اما در روایت سومری، کشتی در سرزمین گذر (دیلمون) به خشکی می نشیند. در روایت ایرانی، ورجمکرد که حکم کشتی نجات و پناهگاهی امن برای ساکنینش را دارد، در زیر زمین در ایرانویج قرار دارد.

۳-۹ نقش پرنده در طوفان جم و طوفان اوتناپیشتم و طوفان نوح (تورات) مورد توجه است. پرنده ها در هر سه طوفان نقش پیام رسان را دارند؛ در طوفان جم، مرغ کرشیپ تر دین مزدیسنی را که همان پیام اهورامزدا است

به مردم محصور در قلعه زیرزمینی می آموزد. در طوفان اوتناپیشتم و طوفان نوح مسافران در کشتی ای که بالای کوه قرار گرفته، محصور هستند و کبوتر و کلاغ می روند تا خبری از وجود خشکی بیاورند.

۳-۱۰ در چهار روایت، قهرمانان داستان پس از طوفان، قربانی می کنند؛ مانو پس از طوفان، چیزی قربانی می کند و صاحب فرزندان و گاوان بسیار می شود. زیوسودرا، وزرا و گوسفندی را قربانی می کند. اوتناپیشتم، بره یی قربانی می کند. نوح (تورات)، حیوانات و پرندگان پاک را قربانی می کند.

۳-۱۱ بعد از به پایان رسیدن طوفان، نسل بشر دوباره افزایش می یابد و مردم دنیای جدید را تجربه می کنند. در روایت ایرانی پس از طوفان در ورجمکرد باز می شود و مردم به دنیایی پر مهر که در آن کینه ای نیست پا می گذارند. در روایت یونانی، دئوکالیون و همسرش زمین را پس از طوفان، تهی از موجودات زنده می بینند. پس آن دو از بالای کوه، سنگ هایی را به زمین پرتاب می کنند. سنگ های دئوکالیون به مردها و سنگ هایی که همسرش پرتاب کرد به زنان تبدیل شدند و بدین گونه نژاد آدمی از نو پدید آمد.

پس از پایان طوفان هندی، مانو به آفرینش جهان پرداخت و صاحب فرزندان و گاوان بسیار شد و به همه آرزوهایش رسید. با فروکش کردن طوفان سومری، کشتی زیوسودرا در سرزمین دیلمون به خشکی نشست. در این بهشت زمینی حتی حیوانات هم در امنیت به سر می برند. اوتناپیشتم و همسرش پس از طوفان مورد عنایت ایزدی به نام انلیل قرار می گیرند. او آنها را در دور دست ها بر کنار دریا منزل داد و به جرگه نامیریان درآورد. پس از طوفان نوح (تورات) خداوند به نوح و پسرانش خطاب کرد که شما در زمین منتشر شده و در آن بیفزایید. و خداوند در دل خود گفت: بعد از این دیگر زمین را به سبب انسان لعنت نکنم و بار دیگر همه حیوانات را هلاک نکنم چنان که کردم و مادامی که جهان باقیست زرع و حصاد و سرما و گرما و زمستان و تابستان و روز و شب، موقوف نخواهد شد. (پیدایش، باب هشتم، فقره ۲۲ و ۲۱)

در روایت قرآنی طوفان نوح نیز مردم دنیای جدیدی را پس از طوفان تجربه می کنند. در آیه ۲۹ سوره مؤمنون خداوند اینچنین به نوح خطاب کرده است: «و باز بگو پروردگارا مرا به منزل مبارک و جایگاه برکت و رحمت خود فرود آر که تو بهترین کسی که بار ما به منزل خیر و سعادت توانی فرود آورد.» و اما به ازدیاد نسل بشر پس از طوفان این گونه اشاره شده است: «و به نوح خطاب شد که از کشتی فرود آی که سلام و برکات و رحمت ما بر تو و بر آن امم و قبایلی که همیشه با تواند، اختصاص یافته و امت هایی که خودسر و ستمگر شوند ما پس از آنکه به آنها بهره ای از دنیا دهیم آنان را به عذاب سخت کیفر خواهیم کرد. (هود، آیه ۴۸)

دنیای جدیدی که انسانها پس از طوفان تجربه اش کردند دوام نیافت زیرا نسل بشر پیوسته در حال آزمون و خطاست و آرمان شهری که آرزویش را دارند بین دو نیروی خیر و شر در حال بقا و فناست. پیروزی نهایی خیر زمانی خواهد بود که انسانها به نهایت رشد و تعالی رسیده باشند.

#### ۴- ارائه داستان‌های شگفت‌انگیز طوفان برای کودکان

نقل افسانه ورجمکرد می تواند به طور مستقیم اطلاعاتی درباره تاریخ اسطوره ها به کودکان بدهد و تقریباً آموزنده است. در این داستان، جمشید به فرمان خدای یگانه، از مردم در مقابل سرما محافظت می کند. این بخش می تواند حس مسئولیت پذیری در کودکان را رشد دهد. (ورجمکرد) جایی است که اهریمن نمی تواند به آنجا وارد شود. چنین جایی آرمانشهر کودکان است. ورجمکرد کاملاً خانه ای امن و واقعی برای کودکان است. از این رو در بازنویسی مجدد داستان، ورجمکرد را می توان به خانه امنی برای کودک تبدیل کرد. در داستان دئوکالیون، زیوسودرا و اوتناپیشتم با تعدد خدایان روبرو هستیم. این گونه اسطوره ها به دلیل ارائه ذهنیت چند خدایی، قابلیت بازنویسی برای کودکان را ندارند. همچنین «اسطوره ها اکثراً درون مایه پیچیده دارند و شخصیت های آنها را موجودات فرابشری تشکیل می دهند، از این رو بیشتر آنها برای کودکان مناسب نیستند، ولی نوجوانان می توانند از آنها لذت ببرند، زیرا همچون تمامی پهنه ادبیات شفاهی انتقال دهنده مجموعه ای از تجربه های بشری به نسل جدید به شمار

می‌آیند.» (قزل ایاغ، ۱۳۹۲: ۱۳۴) در سنین نوجوانی « تفکر انتزاعی به عالی‌ترین مرحله رشد خود می‌رسد. نوجوان مایل است درباره هر موضوعی خودش مستقل فکر کند و هیچ چیز را بدون دلیل قبول نکند.» (پولادی، ۱۳۸۴: ۱۷۸ و ۱۸۷) بنابراین مفاهیمی که در افسانه و اسطوره به او ارائه می‌شود را درک می‌کند. اما از همه این مسائل که بگذریم بخشهایی از اسطوره‌های طوفان قابلیت بازنگری<sup>۱</sup> برای کودکان را دارد. بنابراین می‌توان کشتی‌سازی و نجات نسل بشر از طوفان و خلق دنیای نو را در اثر جدید برای کودک برجسته سازی کرد.

در طوفان مانو نیز ماهی‌ای که نسل بشر را از طوفان نجات می‌دهد مظهر ویشنو یکی از خدایان هندو بود. نکته-ای که در این داستان برای کودکان جذابیت دارد غذا دادن به ماهی است و رشد آنی او، به طوری که تنگ شیشه‌ای برایش کوچک می‌شود و باید به رودخانه گنگ منتقل شود. همچنین کودک از شنیدن داستان ماهی‌ای که انسان را از خطر طوفان نجات می‌دهد شگفت‌زده می‌شود. لازم است که نویسنده کودک در ارائه این داستان به کودکان، اشاره‌ای به خدا بودن ماهی نداشته باشد؛ بلکه او را به عنوان شخصیت قهرمان داستان معرفی کند.

در قرآن و تورات نیز به داستان طوفان اشاره شده است. این داستان بیش از ۴۰ بار برای کودکان بین رده سنی ۷ تا ۱۳ سال بصورت کتاب و داستانهای مصور تدوین شده و بارها به عواقب و پیامدهای ناشی از نافرمانی امر خداوند اشاره شده است. این داستان به ترس از خشم خداوند در عین رحمت و مهربانی او اشاره دارد. افراد مذهبی‌ای که این داستانها را خلق و بازسازی می‌کنند باید به این نکته توجه داشته باشند که نباید کودکان را از خداوند ترساند تا باعث شود آنها از مذهب روی گردان شوند در عوض باید در روح آنها برای رشد مذهبی انگیزه ایجاد کرد. تجسم خشم خداوند می‌تواند باعث دوری آنها از خدا شود. با این حال جنبه‌های دیگری نیز در داستان طوفان نوح وجود دارد که می‌تواند برای کودکان جذاب بوده و باعث شود که از شنیدن و خواندن داستانهای مذهبی لذت برده و به خداوند نزدیک تر شوند. جنبه‌هایی چون:

۱- همکاری و اتحاد با هم برای ساختن یک کشتی بزرگ و امن

۲- پیدا کردن جای مناسب برای زندگی بهتر

۳- تصمیم‌گیری برای یک زندگی بهتر و توسعه آن

۴- حمایت از محیط انسانی و حیوانی

-۱

## نتیجه

بنا بر نظریه بینامتنیت، هیچ متنی در انزوا شکل نمی‌گیرد و نمی‌توان آن را بدون ارتباط با متون دیگر خواند یا تفسیر کرد. داستان طوفان مهلکی که نسل بشر را در ایران، یونان و بین‌النهرین نابود کرد ریشه در دوران باستان دارد. طوفان، کشتی ساختن و نجات جان انسانها مفاهیم مشترک در اسطوره‌های بین‌النهرین هستند. در حماسه گیلگمش که یکی از معروفترین داستان‌های طوفان است قهرمانی بنام اوتنا پیشتیم توسط یزدان آموزش می‌بیند تا کشتی‌ای بسازد که با آن بشریت را از نابودی و بلایای مخرب نجات دهد. جدای از این مفاهیم در این مقاله به موارد دیگری نیز اشاره شده است که شامل: انگیزه ایجاد طوفان، کسانی که طوفان را ایجاد کردند و آنهایی که حادثه طوفان را خبر دادند، قهرمان داستان طوفان، مدت زمان طوفان و مکان نشستن کشتی، نقش پرنده در طوفان و اجرای مراسم قربانی و افزایش نسل بشر پس از طوفان و تجربه دنیایی جدید می‌شود.

## منابع

- قرآن کریم، ۱۳۸۰، انتشارات فاطمه الزهرا.

<sup>۱</sup> بازنگری به نوعی، نگرش دوباره به پیش اثر است. بازنگر، درونمایه کلی پیش اثر را هدف قرار نمی‌دهد اما می‌تواند مسیر حرکت موضوع و درونمایه‌های جزئی را تغییر دهد. (جلالی، ۱۳۹۲: ۴۰)

- عهد عتیق و عهد جدید، ۱۸۹۵ م، مطبع دروگولین.
- آموزگار، ژاله (۱۳۹۳). تاریخ اساطیری ایران. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- اسماعیل پور، ابوالقاسم (۱۳۹۲). اساطیر جهان. تهران: اسطوره.
- ایونس، ورونیکا (۱۳۷۳). اساطیر هند. باجلان فرخی. تهران: اساطیر.
- بهروز، ذبیح (۱۳۷۹). تقویم و تاریخ در ایران. تهران: چشمه.
- بهزادی، رقیه (۱۳۶۸). بندهش هندی. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- پور داود، ابراهیم (۱۳۷۷). یشتها. تهران: اساطیر.
- پولادی، کمال (۱۳۸۴). بنیادهای ادبیات کودک. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- تفضلی، احمد (۱۳۸۵). مینوی خرد. تهران: توس.
- جلالی، مریم (۱۳۹۲). شاخص‌های اقتباس در ادبیات کودک و نوجوان. تهران: طراوت.
- جلالی نایینی، محمدرضا (۱۳۸۵). ریگ ودا. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- دادگی، فرنیخ (۱۳۶۹). بندهش. مهرداد بهار. تهران: توس.
- راشد محصل، محمد تقی (۱۳۸۹). دینکرد هفتم. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- روزنبرگ، دنا (۱۳۷۴). اسطوره‌های یونان. مجتبی عبدالله نژاد. مشهد: ترانه.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۹). حماسه گیل گمش. ابوالقاسم اسماعیل پور. تهران: اسطوره.
- رضی، هاشم (۱۳۴۲). تاریخ ادیان. کتاب دوم. تهران: کاوه.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۶). وندیداد. ج ۱. تهران: مرکز.
- شاملو، احمد (۱۳۹۰). گیل گمش. تهران: چشمه.
- صفا، ذبیح الله (۱۳۸۷). حماسه سرایی در ایران. تهران: فردوسی.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۴). المیزان فی تفسیر القرآن. سید محمد باقر موسوی همدانی. ج ۱۵. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- قزل ایغ، ثریا (۱۳۹۲). ادبیات کودکان و نوجوانان و ترویج خواندن. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- مخبر، عباسی (۱۳۸۴). جهان اسطوره‌ها. ج ۱. تهران: مرکز.
- همای، عباس (۱۳۸۵). «بررسی تطبیقی داستان نوح (ع) تا شروع طوفان در قرآن و سفر پیدایش» پژوهش دینی. تهران: ش ۱۳. صص ۵۱-۶۰.
- هنری هوک، ساموئل (۱۳۷۲). اساطیر خاورمیانه. علی اصغر بهرامی - فرنگیس مزداپور. تهران: روشنگران.
- هینلز، جان (۱۳۹۱). شناخت اساطیر ایران. ژاله آموزگار - احمد تفضلی. تهران: چشمه.